

مفاهیم پنهان در فیلمنامه آنچه در زیر سطح نهفته است

لیندا سیگر

مترجم: مسعود مدنی

فهرست

- بخش اول: زیر متن ۷
- بخش دوم: بیان زیر متن از طریق کلام: اطلاعات درباره شخصیت‌ها یا داستان زمینه ۴۳
- بخش سوم: فنونی برای بیان زیر متن از طریق کلام ۶۹
- بخش چهارم: بیان زیر متن از طریق حرکت و حالت بیان ۱۰۲
- بخش پنجم: خلق زیر متن از طریق تصاویر و استعاره‌ها ۱۲۶
- بخش ششم: زیر متن در گونه‌های سینمایی ۱۴۸
- عنوان فیلم‌های یاد شده: ۱۶۷

بخش اول: زیر متن

تعریف و تحقیق

در هنرهای نمایشی چون سینما و تلویزیون، بیش از هر شکل هنری دیگر شخصیت‌ها آنچه را در ضمیر دارند به صراحت بیان نمی‌کنند. البته آنچه اینان در این هنرها بیان می‌کنند همیشه دروغ نیست، همیشه سخن بیهوده و یا انکار حقیقت نیست. گاه شخصیت‌ها فکر می‌کنند دارند حقیقت را بیان می‌کنند، گاه حقیقت را نمی‌دانند. گاه آن‌ها با بیان حقایق راحت نیستند. در درام‌های بزرگ کلمات هستند و حقایق در پشت کلمات پنهان. آنچه هست متن است و زیر متن. البته این هر دو یکی نیستند و قرار نیست هم یکی باشند.

زیر متن چیست؟

متن، واژه‌ها و حرکاتی است که ما شاهد آن‌ها هستیم. گاه اینها بیانگر ضمنی مفاهیم هستند و گاه آن‌ها چیزی شبیه به مفاهیم را بیان می‌کنند. اگر از شما می‌پرسیدم: «چطور از سانفرانسیسکو به شیکاگو بروم؟» شاید به روشنی و بدون توسل به زیر متن پاسخ بدهید: «بزرگراه هشتاد به طرف شرق و سپس از جاده «میشیگان» به بیرون و به طرف شیکاگو و مرکز شهر.» در این پاسخ صریح و مستقیم هیچ زیرمتنی وجود ندارد.

اما اگر خانم موطلائی زیبایی همین پرسش را می‌پرسیدید و او با چشمکی به شما پاسخ داده و می‌گفت: «وقتی در اینجا می‌توانید خوش بگذرانید چرا می‌خواهید به شیکاگو بروید؟» در آن صورت خواهیم دانست که این پاسخ صریح و روشنی نیست. در اینجا مفاهیم بسیاری در زیر سطح کلمات نهفته‌اند. این خانم که با پاسخش نوید زمان خوشی را در کنارش می‌دهد، به احتمال مقصودی دیگر در ذهن دارد. اگر منظورش را فهمیده باشید به احتمال پاسخ خواهید داد: «نه متشکرم.» شاید هم تصمیم بگیرید که زمانی را با او بمانید.

ما در تمام اوقات زندگی روزمره با زیر متن روبرو هستیم. آدم‌ها عادت دارند که همیشه آنچه را در ضمیر دارند به صراحت بیان نکنند. گاه آنان در می‌یابند که بیان صریح زیر متن، شکل درستی از بیان نیست و مؤدبانه و یا قابل‌پذیرش همگان نیست. از این رو آنان زیر متن را در پوششی دیگر بیان کرده و مفهوم واقعی را در زیر پوشش کلمات دیگر پنهان می‌کنند. گاه آدم‌ها می‌خواهند که مخاطب مفهوم واقعی را درک کند و گاه هم نمی‌خواهند که مخاطب مفهوم واقعی را دریابد.

در فیلم «خواب بزرگ» (ویلیام فاکنر/۱۹۴۶) نویسندگان فیلمنامه: «لی براکت» و «جولز فورتمن» غالب شخصیت‌های زن با «فلیپ مارلو» گفتگوی مغالنه گونه‌ای دارند. این زنان در گفتگو با «مارلو» در سخنان خود، با زبان اشاره و به زبانی ضمنی با او صحبت می‌کنند. حتی راننده زن تاکسی با وجود آگاهی از مقصد، حرف دیگری برای گفتن دارد. پس از آنکه راننده زن «مارلو» را به مقصد می‌رساند به او کارت مشخصات حرفه‌ای‌اش را می‌دهد به زبان زیر متن با او صحبت می‌کند:

راننده زن: اگر دوباره به خدمات من نیاز داشتی بهم تلفن کن.

مارلو: روز یا شب فرقی نمی‌کنه؟

راننده زن: شب بهتره. روزا کار می‌کنم.

ظاهراً زن کارتش را برای سفارش تاکسی به او می‌دهد. همچون زن موطلابی سانفرانسیسکو او هم مقصود دیگری در ذهن دارد.

زیر متن مفهوم حقیقی است که از زیر کلمات و حرکات گوینده آشکار می‌شود و این همان مفهوم واقعی است. این همان حقیقت قلب نشده است. متن، قله کوه یخ است اما زیر متن همان چیزی است که زیر متن پنهان است و از زیر آن به بیرون تراوش می‌کند و متن را از خود آگاه می‌سازد. زیر متن، حاوی مفهوم ضمنی به‌جای مفهوم صریح است. نوشته‌ها و درام‌های بزرگ زمینه‌هایی مملو از زیر متن هستند. کلماتی که می‌شنویم قرار است ما را به لایه‌های دیگر در متن راهنمایی می‌کنند. در تقاطع متن و زیر متن برخوردهایی وجود دارد. درام‌های بزرگ در زیر پوشش کلمات حضور می‌یابند.

زمانی که نویسندگان گفتگوهای صریح و روشن می‌نویسند ما به اصطلاح می‌گوییم این گفتگوها «رو» هستند. شخصیت‌ها دقیقاً آنچه را در ضمیر دارند در جملاتی منطقی و روشن بیان می‌کنند. این گونه بیان، یکنواخت و کسل‌کننده است. این گونه بیان همچون خطابه و نطق است و گفتگوی حاصل از نظر عاطفی زنده به گوش نمی‌رسد. این گونه گفتگو، آباستن مفاهیم دیگر نیست بلکه به‌جای آن شخصیت‌ها تنها به اطلاع‌رسانی بسنده می‌کنند. آن‌ها داستان زمینه را بیان کرده، مقدمه‌ای بیان کرده و به چیزهای غیر مهم می‌پردازند. در این گونه گفتگو آدم‌ها تنها باهم گپ می‌زنند.

در یک گفتگوی روشن و بدیهی شخصیت‌ها زبان صریحی دارند. آن‌ها همه چیز را می‌دانند،

همه چیز را به خوبی می‌فهمند و از این رو می‌توانید آن‌ها را به همگان توضیح دهند. آن‌ها درباره مشکلات روان‌شناسانه‌شان با ما صحبت می‌کنند و دارای شناختی از خود بوده و می‌توانید به ما توضیح دهند که وضع چگونه است. می‌توانید به ما دقیقاً بگویید که چرا آنان این چنین هستند و نیروهای حاکم بر کودکی‌شان چگونه مشکلات روان‌شناسانه آنان را باعث شده است. هیچ چیز در بیان‌شان پنهان نیست. همچون نویسندگان این شخصیت‌ها همه چیزدان هستند و نویسنده مصمم است که آنان این همه را به ما بگویند.

اکنون این صحنه را پیش خود تصور کنید: یک زوج که آشکارا به سوی هم جذب شده‌اند، با هم ملاقات می‌کنند. درباره این کشش‌شان به سوی هم صحبت می‌کنند. درباره امیدهایشان برای آینده. در بیان‌شان به همه چیز فکر کرده‌اند. همه موارد را بدون کوچک‌ترین نااطمینانی و یا نوسانی که در زندگی واقعی پیش می‌آید، بیان می‌کنند.

وقتی همه موارد در قالب متن بیان می‌شود، در آن صورت همه چیز در مسیری از پیش معلوم و نه مسیری نامعلوم چنانچه در نوشته‌های بزرگ است، پیش می‌رود. همه چیز آشکار است؛ اما آنچه جایش خالی است و بخش مهم کار است، انگیزه‌ها و اندیشه شخصیت‌ها، عواطف و حقایق انسانی است که به گونه‌ای چندوجهی مفاهیم را بازتاب دهند.

در فیلم «سانتینی بزرگ» (۱۹۷۹)، نویسندگان: «لوویس جان کارلینو»، «هرمن راخر» از روی رمانی از «پت کانروی» در صحنه‌ای مادر در مکالمه‌ای پر کلام با پسرش، اهمیت درک زیر متن را توضیح می‌دهد. مادر می‌گوید: «باید تفسیر و مفهوم نشانه‌ها را در گفته‌های پدر درک کنی».

این کاری است که نویسندگان باید آن را فراگیرند. زیر متن‌ها را چنان بنویسید تا تماشاگران بفهمند که چیزی بیشتر از آنچه چشم می‌بیند در جریان است. نویسنده راه را نشان می‌دهد. آنان از کلمات ضمنی استفاده کرده و رفتار روشن‌گر شخصیت‌ها را توصیف می‌کنند تا تماشاگران اطلاعاتی بسیار بیشتر از آنچه از تنها کلمات ساده گفتگو می‌توان دریافت، درک کنند.

چطور بفهمیم که زیر متن وجود دارد؟

زیر متن همه آن مفاهیمی است که در متن بیان نشده، اما در زیر سطح پنهان است. همان موضوعی است که در گفتگو واقعاً روی می‌دهد و همه موضوع فیلم است. در این کتاب من از تعاریف به تقریب گسترده در مورد زیر متن استفاده کرده‌ام، چرا که آنچه در زیر سطح پنهان است تنها در پشت کلمات پنهان نیست. زیر متن می‌تواند در پس کلمات، حرکات،